

## ساختار بهینه تدوین و بازنگری برنامه درسی آموزش عالی: تجربه دانشگاه فردوسی مشهد

مرتضی کریمی<sup>۱</sup> [m.karami@um.ac.ir](mailto:m.karami@um.ac.ir)

زهرا وقاری زمهریر [zahra.curriculum.student@gmail.com](mailto:zahra.curriculum.student@gmail.com)<sup>۲</sup>

مشهد- میدان آزادی- دانشگاه فردوسی مشهد- دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

### چکیده:

با توجه به سرعت تحولات در جامعه، بازنگری و تغییر برنامه درسی بیش از پیش به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در نظام‌های آموزش دانشگاهی تبدیل شده است. در این راستا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تفویض اختیار مناسبی به دانشگاه‌ها داشته است که استفاده بهینه از این فرصت نیازمند طراحی و جاری‌سازی ساختار سازمانی مناسب در دانشگاه می‌باشد. در مقاله حاضر به آسیب‌شناسی تجربه ناموفق برخی از دانشگاه‌ها در زمینه عدم استفاده شایسته از فرصت ارایه شده توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پرداخته شده است و از جمله مهم‌ترین آسیب‌ها می‌توان به عدم وجود ساختار مناسب، عدم وجود نیروی متخصص برنامه درسی و عدم توانمندی اعضای هیأت علمی اشاره نمود. براین اساس پیش‌بینی ساختار مناسب یکی از الزامات سامان‌دهی بازنگری برنامه درسی در دانشگاه‌ها می‌باشد. چهار مفروضه اصلی: تغییر یک فرآیند است نه یک رخداد، گروه آموزشی به عنوان واحد سازمانی اصلی بازنگری برنامه درسی، توجه به استقلال گروه‌ها، ضرورت طراحی مداخلات مناسب جهت کاهش مقاومت، مبنای پایه‌گذاری ارکان اصلی این ساختار بود. تجربه دانشگاه فردوسی مشهد بر اساس این مفروضات پیش‌بینی ساختار سه سطحی متشکل از شورای برنامه‌ریزی درسی دانشکده، اداره برنامه‌ریزی درسی دانشگاه و شورای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه می‌باشد. همچنین در سطح دانشکده نقشی تحت عنوان نماینده برنامه درسی دانشکده به عنوان تسهیل‌گر بازنگری و تغییر برنامه درسی پیش‌بینی شد.

کلمات کلیدی: بازنگری برنامه درسی، تدوین برنامه درسی، ارکان برنامه‌ریزی درسی، تسهیل‌گر برنامه درسی

### مقدمه

با توجه به رسالت‌ها، اهداف و نقش آموزش عالی در عصر حاضر، برنامه‌های درسی به عنوان قلب نظام آموزشی ضرورتاً به صورت ادواری باید مورد اصلاح و بازنگری قرار گیرند، در غیر این صورت پدیده‌ای تحت عنوان رو به زوال رفتن برنامه درسی رخ می‌دهد که از آن تحت عنوان برنامه درسی قراضه (دورریختنی) یاد می‌شود. از این اصطلاح دو معنا استخراج می‌شود: نخست ارایه برنامه‌های درسی منسوخ، قدیمی و از رده خارج و دیگری برنامه‌های درسی که قدیمی نیستند، اما زمینه کاربرد آنها در جامعه وجود ندارد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۹). لذا با توجه به این امر بایستی برنامه درسی با نیازهای در حال تغییر و تحولات علمی روز تطبیق یابد، براین اساس بحث از تغییر و بازنگری برنامه درسی مطرح می‌شود. تغییر برنامه درسی مفهوم بسیار کلی است که به هر تغییر ایجاد شده در آموزش یا محیط آموزشی اشاره می‌کند. یا به عبارت دیگر، تغییر برنامه درسی به عنوان هر نوع تغییر در ابعاد مختلف برنامه درسی می‌باشد (مهرمحمدی، ۱۳۸۸). یکی از مفاهیمی که در تغییر برنامه درسی مطرح می‌شود، اصلاح یا بازنگری است. اصلاح به

۱. دانشیار برنامه درسی و مسول کمیته تخصصی برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد

تغییرات خاص اما جامع‌تر و بنیادی‌تر در تغییر برنامه درسی مربوط می‌شود. این اصلاحات شامل تجدید نظر در سازمان و ساختار نظام آموزشی، بازنگری عمده در برنامه درسی و امثال آن می‌شود. تصمیماتی که در جریان بازنگری برنامه درسی اتخاذ می‌گردد، به اهداف برنامه درسی، مواد آموزشی، فعالیت‌های آموزشی، ارزیابی و نظیر آن مربوط می‌شود (فولن، 1985).

امروزه در کشورهای پیشرفته، بازنگری برنامه درسی به دو صورت متمرکز\_مقطعی (معطوف به بررسی‌های کلان) و نامتمرکز\_دایمی (در خود مؤسسه آموزشی با هدف بازنگری و بهبود مداوم کیفیت برنامه درسی و آموزشی) صورت می‌گیرد (سلیمی و همکاران، 1393). نمونه ای از بازنگری مقطعی در دانشگاه MIT و گروهی دیگر از دانشگاه‌ها با هدف تربیت دانش‌آموختگان متناسب با نیاز حال و آینده صنعت انجام شد (کراولی<sup>1</sup> و همکاران، 2007) و به عنوان نمونه‌ای برای بازنگری غیر متمرکز می‌توان از بازنگری صورت گرفته در دانشگاه شفیلد<sup>2</sup> که طی دو مرحله انجام شد، یاد کرد. در این دانشگاه طی یک برنامه‌ریزی کوتاه مدت در مرحله اول اصلاح موقت اعمال شد و در مرحله دوم بازنگری دراز مدت به منظور ایجاد یک اصلاح جامع در نقایص برنامه درسی صورت گرفت (نیوبل<sup>3</sup> و همکاران، 2005).

به‌طور کلی می‌توان گفت تمرکز زدایی و گسترش برنامه درسی دانشگاه‌محور اقتضا می‌کند تصمیم‌های مربوط به برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزشیابی و تغییر و بازنگری برنامه درسی به جای این‌که بیرون از مؤسسه آموزشی اخذ و به آن تحمیل شود، در خود مؤسسه آموزشی اتخاذ گردد. این‌گونه تصمیم‌گیری و به اجرا گذاشتن آن، داشتن اقتدار و اختیار متناسب در مورد برنامه درسی را می‌طلبد. در بسیاری کشورها بازنگری و بهبود درس معمولاً بر عهده مدرس و طراحی مجدد برنامه درسی بر عهده کمیته‌هایی است که گروه آموزشی به طور ویژه برای انجام این کار تشکیل می‌دهد.

در کشور ما نیز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طی آیین‌نامه‌ای (مصوب 79/2/10) در جهت تمرکز زدایی و ارتقای کیفیت آموزش عالی و همچنین به منظور نهادینه کردن مشارکت دانشگاه‌ها در مدیریت آموزش عالی و تسهیل فرآیند تغییر برنامه درسی از طریق مشارکت اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، اختیار بازنگری برنامه درسی را به دانشگاه‌ها واگذار نمود تا از این طریق دانشگاه‌ها نسبت به ایجاد رشته‌های جدید و بازنگری برنامه‌های درسی خود جهت تناسب آن با نیاز جامعه، تحولات علمی و امکانات و توانایی‌های دانشگاه اقدام نمایند. علاوه بر این در بخشنامه اجرایی در خصوص تفویض اختیار به دانشگاه (94/2/14) اختیارات مناسبی به دانشگاه‌های گروه یک داده شد. جهت استفاده بهینه از فرصت به وجود آمده توسط دانشگاه‌ها و جلوگیری از فرصت سوزی، آسیب‌شناسی تجربه قبلی دانشگاه‌ها در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد. در ادامه به تشریح آسیب‌های دوره اول واگذاری اختیار به دانشگاه‌ها پرداخته می‌شود.

## آسیب‌شناسی

با وجود اقدام در جهت بازنگری برنامه درسی در سطوح مختلف دانشگاهی نتایج پژوهش‌ها حاکی از عدم موفقیت در اجرای آیین‌نامه بوده است. از جمله عوامل عدم موفقیت می‌توان به نبود زیرساخت‌های مناسب، عدم رعایت اصول علمی در مراحل مختلف برنامه‌ریزی درسی، کمبود منابع مالی، نبود الگو یا راهنمای عمل برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی و نبود فرآیند نظارت و ارزیابی از عملکرد دانشگاه‌ها در خصوص بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی، قرائت حداقلی از برنامه درسی، نبود انگیزه در اعضای هیأت علمی و عدم سازگاری روح واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی با روح آزمون متمرکز و مقاومت اعضای هیأت علمی در برابر تغییرات (نوروززاده و همکاران، 1385) اشاره نمود. همچنین در نشست تخصصی آسیب‌ها و تهدیدهای بازنگری برنامه درسی (1394) مواردی چون عدم وجود ساختار مناسب جهت بازنگری برنامه درسی، عدم وجود نیروهای متخصص برنامه درسی و عدم توانمندی و شایستگی اساتید در زمینه برنامه درسی به عنوان چالش‌های اساسی در زمینه بازنگری برنامه درسی مطرح شد.

1. Crawley  
2. Sheffield  
3. Newble

علاوه بر موارد فوق بررسی تجربه دانشگاه‌هایی که در زمینه بازنگری برنامه‌های درسی اقدام نموده‌اند، نشان می‌دهد که معمولاً تصمیم‌گیری برنامه درسی در سطوح مختلف گروه آموزشی، دانشکده و دانشگاه صورت می‌پذیرد. مثلاً در یک دانشگاه سطوح شامل: شورای برنامه‌ریزی درسی بخش یا گروه آموزشی - شورای برنامه‌ریزی درسی دانشکده - کمیته کارشناسی شورای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه - شورای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه و در دانشگاهی دیگر ارکان شامل: گروه آموزشی، دفتر برنامه ریزی درسی، شورای برنامه‌ریزی درسی، شورای دانشگاه و یکی دیگر از دانشگاه‌ها ارکان تشکیل دهنده فرآیند بازنگری برنامه درسی شامل: اعضاء متخصص در گروه آموزشی، شورای تخصصی گروه، شورای برنامه‌ریزی دانشکده و ستاد سیاست‌گذاری برنامه‌های درسی دانشگاه می‌باشد. از جمله آسیب‌های چنین ساختارهایی عدم وجود ارتباط منسجم بین ستاد برنامه‌ریزی درسی و سطوح عملیاتی (گروه و دانشکده) می‌باشد. لذا وجود ساختاری بهینه در دانشگاه‌ها جهت رفع چالش‌ها و آسیب‌های یاد شده ضروری است.

### تجربه دانشگاه فردوسی مشهد

دانشگاه فردوسی مشهد به منظور اجرای آیین‌نامه وزارتی واگذاری اختیارات بازنگری برنامه درسی و رفع آسیب‌های یاد شده به ارایه ساختاری بهینه در تدوین و بازنگری برنامه درسی دانشگاهی اقدام نمود. اساساً اصلاح و بازنگری برنامه درسی در آموزش عالی مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول و مفروضات است که هدایت‌گر فرآیند بازنگری خواهد بود. مجموعه اصول و مفروضات اساسی که در طرح ریزی ساختار تصمیم‌گیری برنامه درسی ملاک عمل قرار گرفت عبارتند از:

1- تغییر یک فرآیند است نه یک رخداد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد بیشتر تغییرات در نظام‌های آموزشی حداقل سه تا پنج سال زمان جهت رسیدن به سطح مطلوب نیاز دارند (هال و هورد<sup>1</sup>، 2015). همچنین نتایج پژوهش نصر و همکاران (1386) یکی از چالش‌های عمده در راستای تمرکز زدایی و بازنگری برنامه درسی، تلقی خاتمه پیدا یافتن فعالیت بازنگری برنامه درسی در دانشگاه‌ها بعد از یک بار بازنگری است. بنابراین ضروری است این را به عنوان یک اصل در نظر گرفت که تغییر برنامه درسی یک فرایند مستمر است. از طرفی اجرای برنامه درسی و پایش وفاداری به برنامه درسی قصد شده ضرورت استمرار فرآیند برنامه درسی را دو چندان می‌نماید.

2-، گروه آموزشی به عنوان واحد سازمانی اصلی بازنگری برنامه درسی: اگرچه بر اهمیت درک پویایی‌های فردی در تغییر تأکید می‌شود. اما واحد سازمانی اصلی جهت اجرای موفقیت‌آمیز تغییر، گروه آموزشی می‌باشد. تغییرات برنامه درسی دانشگاهی مستلزم کار جمعی است، از آنجا که نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که پروژه‌هایی که از حمایت همکاران هیأت علمی، گروه آموزشی و مدیریت برخوردار نبوده چندان قرین موفقیت نبوده‌اند (نصر و همکاران، 1386) لذا به مشارکت حداکثری گروه آموزشی، در فرایند بازنگری برنامه‌های درسی توجه ویژه‌ای خواهد شد.

3- توجه به استقلال گروه‌ها: از آنجا که در گروه‌های آموزشی ساختار و روابط متنوعی وجود دارد و از طرفی توجه به هویت آکادمیک گروه‌های آموزشی و اعتماد آفرینی، تفویض اختیار به گروه‌های آموزشی را ضروری می‌نماید. بنابراین بازنگری برنامه درسی مستلزم این است که هر یک از گروه‌های آموزشی به صورت مستقل نسبت به اصلاح برنامه درسی اقدام کنند.

4- ضرورت طراحی مداخلات مناسب جهت کاهش مقاومت: یک نکته اساسی در فرآیند تغییر و بازنگری برنامه درسی، غلبه بر مقاومت اساتید در برابر تغییر و نگرانی آنان در مورد منافع خود می‌باشد (دیویس و رودرز<sup>2</sup>، 1998). نتایج پژوهش هال (2001) و کولار<sup>3</sup> و همکاران (2001) نیز حاکی از آن است که مشارکت اساتید، ارتباط مناسب، کار تیمی و ایجاد انگیزه و تعهد سبب موفقیت در فرآیند بازنگری برنامه درسی و کاهش مقاومت اعضای هیأت علمی در برابر تغییر است. با توجه به مفروضه قبل اثربخش مداخلات در گرو طراحی آن متناسب با مقتضیات گروه آموزشی است.

<sup>1</sup>. Hall & Hord

<sup>2</sup>. Davis & Rhoders

<sup>3</sup>. Cuellar

## ارکان برنامه درسی دانشگاه

به طور کلی تصمیم‌گیری برنامه درسی در سطح دانشگاه‌ها در قالب سطوح مختلف گروه آموزشی، دانشکده و دانشگاه صورت می‌پذیرد. این فرآیند در قالب کمیته‌هایی تحت عنوان "شورا یا کمیته برنامه‌ریزی درسی" امکان پذیر است. در سطوح مختلف در این کمیته‌ها اعضای هیأت علمی و مدیران حضور خواهند داشت تا فرایند اصلاح و بازنگری برنامه درسی انجام شود. جزییات هر یک از سطوح به شرح زیر است:

### 1- شورای برنامه‌ریزی درسی دانشکده شامل: معاون آموزشی دانشکده، مدیر گروه آموزشی، نماینده برنامه درسی

دانشکده، یک یا دو تن از اعضای هیأت علمی تخصصی گروه آموزشی

آن چه که در واقع سبب تمایز و به نوعی بهینه بودن ساختار پیشنهادی دانشگاه فردوسی مشهد شده است، وجود فردی به عنوان نماینده کمیته برنامه درسی است که در واقع تسهیل‌گر فرایند بازنگری می‌باشد. پیش بینی این نقش در راستای پوشش دادن آسیب‌هایی است که پیش از این بدان اشاره شد. نماینده برنامه درسی، یکی از اعضای هیأت علمی علاقه‌مند و با انگیزه دانشکده می‌باشد که وظایف تسهیل و نظارت بر فرآیند بازنگری برنامه درسی از طریق ارتباط با مجریان، ارتباط مستمر با اداره برنامه درسی دانشگاه جهت حصول اهداف بازنگری برنامه درسی، نظارت بر حسن اجرای برنامه درسی مصوب، همکاری با اداره برنامه درسی دانشگاه در زمینه شناسایی نیازهای بهبود کیفیت آموزشی، مشارکت فعال و نظارت بر حسن اجرای دستورالعمل‌های اداره برنامه درسی، شناسایی نقاط قابل بهبود کیفیت برنامه درسی و آموزش در دانشکده و ارائه آن به اداره برنامه درسی را عهده دار است.

### 2- اداره برنامه‌ریزی دانشگاه شامل مسئول اداره

برنامه ریزی درسی دانشگاه و تیم کارشناسی واحد برنامه ریزی درسی است. که وظیفه ارزیابی برنامه های درسی پیشنهادی از سوی دانشکده ها براساس آیین‌نامه‌های وزارتی و اصول علمی برنامه ریزی درسی را بر عهده دارد.

### 3- شورای برنامه ریزی درسی دانشگاه شامل معاون

آموزشی دانشگاه، مسئول اداره برنامه ریزی درسی دانشگاه و نمایندگان گروه‌های تخصصی مهندسی، کشاورزی و منابع طبیعی، علوم پایه و ریاضی، دامپزشکی، علوم انسانی الف (ادبیات و علوم انسانی، علوم تربیتی و روانشناسی) و علوم انسانی ب (مدیریت، الهیات و تربیت بدنی) است. که وظیفه تصویب نهایی برنامه‌های درسی در سطح دانشگاه را برعهده دارد.



شکل (1) ساختار پیشنهادی دانشگاه فردوسی مشهد جهت بازنگری برنامه درسی آموزش عالی

## منابع

آیین‌نامه واگذاری اختیارات بازنگری برنامه درسی به دانشگاه‌ها (1379). تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. بخشنامه اجرایی مربوط به تفویض اختیار بازنگری و تدوین برنامه درسی مصوب (1394). تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

سلیمی، لادن؛ کشتی آرای، نرگس و فتحی واجارگاه، کوروش (1393). تبیین سیر تحول و اصلاح نظام برنامه درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال 5، شماره 9، 52-73.

فتحی واجارگاه (1389). برنامه درسی دور ریختنی. دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، 1 (4)، 6-7.

فولن، مایکل (1985). تغییر برنامه درسی، ترجمه احمدرضا نصر، مندرج در کتاب برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازه‌ها، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

مهرمحمدی، محمود (1388). برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها، چشم‌اندازها، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

نصر، احمد رضا. اعتماد زاده، هدایت ا. و نیلی، محمدرضا (1386). برنامه درسی و طراحی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی

نوروززاده، رضا؛ محمودی، رضا؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم (1385). وضعیت سهم مشارکت دانشگاهها در بازنگری برنامه های درسی مصوب شورای عالی برنامه ریزی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره 42، 72-93.

Crawley, Edward.F., Malmquist, Johan., Ostlund, Sören., & Brodeur, Doris R.(2007). Rethinking Engineering Education: The CDIO approach. New York: Springer.

**Newble, David.; Stark, Patsy; Bax, Nigel. and Lawson, Mary.(2005).** Developing and Outcome - Focused Core Curriculum. *Medical Education*; 39: 680-687.

**Cuellar, N(2001).**The seven habits for highly effective curriculum revision, *Nurse Education*, 26(2): 61-63.

**Hall, E.; Romain, J.A.; Alexander, P; Schaff, S and Jones, W(2001).**Moving cemeteries: A framework for facilitating curriculum revision, *Nurse Education*, 26(6): 280-282.

**Davis, D.C; Rhodes, R and Baker, A.S (1998).** Curriculum revision: Reaching faculty consensus through the nominal group technique; *Journal of Nurse Education*; 37(7): 326-328.

**Hall, Gene. E and Hord,Shirley M. (2015).**Implementing Change: Patterns, Principles, and Potholes (4th Edition), Allyn & Bacon.